



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين المعصومين
فلا...



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ی روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته آموزش و پرورش پیش دبستان

موضوع:

ارزیابی اهداف و محتوای "آموزش فلسفه به کودکان" از دیدگاه تفکر در

اندیشه ی اسلامی

استاد راهنما:

دکتر حسن ملکی

استاد مشاور:

دکتر حسام الدین خلعتبری

استاد داور:

دکتر فرخنده مفیدی

پژوهشگر:

زهرا آقا جعفری

تقدیم به

خدایی که آفرید

جهان را، انسان را، عقل را، علم را، معرفت را، عشق را

و کسانی که عشقشان را در وجودم دمید

پدرم و مادرم

که مانند ستارگانی مقدس در آسمان ابدیت، ثابت و درخشان خواهند ماند

و همه بی پدران و مادرانی که فراموش شدند، چرا که

شرمند می‌کنند فرزندان را، دعای خیر مادر، در کنج خانه می‌سالمندان

و همه بی کودکان پاک و معصوم سرزمینم ایران...

تقدیر و شکر

سپاس اوراست که در سایه ی الطاف پر مهرش و در سایه سار عنایتش، قدمی هر چند کوچک برای رسیدن به ذره ای از علم بیکرانش سیمودم. سپاس مخصوص اوست که آفریدگار عشق است و زمین، خدایی که انکار شرف اندیش، ذات او را درک نمی کند و دست خواصان دریای علم به او نخواهد رسید.

و سپاس آنانی را که در این راه از خرمن علم و معرفتشان خوشه ای چیدم. آنانی که ذکر نامشان را برای جبران محبت ایشان، هر چند به قدر ذره ای باشد، بر خود لازم می دانم.

از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر حسن ملکی به واسطه ی زحمات بی دریغ و تلاشهای بی وقفه شان در راهنمایی این پایان نامه، از جناب آقای دکتر حسام الدین خلعتبری به واسطه ی مشاوره های ارزشمند ایشان و از سرکار خانم دکتر فرخنده مفیدی که با داورانی نکته نجانشان در جهت بهبود این کار بنده رایاری رسانند کمال شکر و قدر دانی را دارم.

چکیده

هدف پژوهش حاضر، «ارزیابی اهداف و محتوای آموزش فلسفه به کودکان از دیدگاه تفکر در اندیشه‌ی اسلامی» می‌باشد. در همین راستا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و مراجعه به منابع مختلف، در ابتدا به بررسی و روشن شدن زوایای مختلف تفکر و تعقل در اندیشه‌ی اسلامی پرداختیم و پس از معرفی برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان و ارائه‌ی اهداف و محتوای آن، با استفاده از معیارها و ملاک‌هایی به دست آمده از جایگاه عقل در اندیشه‌ی اسلامی، به نقد و ارزیابی اهداف و محتوای این برنامه پرداختیم.

در انتها این پژوهش نشان می‌دهد که برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان، اقدامی پسندیده و به جا در جهت رشد اندیشه و ورزی و تفکر در کودکان و نوجوانان می‌باشد. اما اجرای برنامه‌ی مذکور در کشور ما که جهان بینی الهی و توحیدی در بند بند ارکان آن نفوذ و رسوخ پیدا کرده است در صورت عدم انجام تغییرات لازم، بسیار مشکل آفرین و آسیب‌زا خواهد بود. چرا که مبانی برنامه‌ی مذکور، مبتنی بر جهان بینی مادی غرب است که نه تنها منطبق بر فطرت کمال‌گرا و حقیقت طلب انسان نیست، بلکه راهی که آن‌ها به ما نشان می‌دهند، فرسنگ‌ها با اهداف متعالی آفرینش، فاصله دارد.

کلید واژه‌ها:

آموزش فلسفه به کودکان، اندیشه‌ی اسلامی، جایگاه عقل در اندیشه‌ی اسلامی، اهداف، محتوا

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات تحقیق
۱-۱-۱	مقدمه
۱-۲-۱	بیان مسأله
۱-۳-۱	اهمیت و ضرورت تحقیق
۱-۴-۱	اهداف تحقیق
۱-۴-۱-۱	هدف کلی
۱-۴-۲	اهداف ویژه
۱-۵-۱	سؤال های تحقیق
۱-۵-۱-۱	سؤال اصلی
۱-۵-۲	سؤال های فرعی
۱-۶-۱	تعریف واژگان و مفاهیم اختصاصی
	فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه ی تحقیق
۲-۱-۱	مقدمه
۲-۲-۱	کودک در اندیشه ی اسلامی
۲-۳-۱	تفکر و تعقل در اندیشه ی اسلامی
۲-۳-۱-۱	تعاریف و مفهوم شناسی
۲-۳-۲	انواع عقل
۲-۳-۳	اهمیت تفکر و تعقل از دیدگاه قرآن
۲-۳-۴	از دیدگاه روایات
۲-۳-۵	قلمروهای تفکر
۲-۳-۶	ویژگی های عقل
۲-۳-۷	آثار تفکر و تعقل
۲-۴-۱	پیشگامان برنامه ی فلسفه برای کودکان
۲-۴-۱-۱	سقراط
۲-۴-۲	روسو
۲-۴-۳	ویگوتسکی
۲-۴-۴	دیوئی

- ۶۹-۴-۴-۵ کانت.....
- ۷۳-۲-۵ معرفی برنامه ی آموزش فلسفه به کودکان.....
- ۷۵-۲-۵-۱ شیوه ی اجرا.....
- ۷۶-۲-۵-۲ ابعاد تفکر در p4c.....
- ۸۳-۲-۵-۳ محتوای برنامه.....
- ۹۰-۲-۵-۴ اهداف برنامه.....
- ۹۳-۲-۶ تفکر و تعقل در اندیشه ی لیمن.....
- ۹۵-۲-۷ پیشینه ی برنامه در ایران.....
- ۹۷-۲-۸ پیشینه ی تحقیق.....

فصل سوم: روش شناسی تحقیق.....

- ۱۰۶-۳-۱ مقدمه.....
- ۱۰۶-۳-۲ نوع تحقیق.....
- ۱۰۷-۳-۲-۱ رابطه تحقیق کاربردی و بنیادی.....
- ۱۰۷-۳-۳ روش تحقیق.....
- ۱۰۸-۳-۳-۱ ویژگی تحقیقات توصیفی.....
- ۱۰۹-۳-۴ روش گردآوری اطلاعات.....
- ۱۰۹-۳-۵ روش تجزیه و تحلیل اطلاعات.....

فصل چهارم: یافته های تحقیق.....

- ۱۱۱-۴-۱ مقدمه.....
- ۱۱۱-۴-۲ سؤال اول: عقل، در اندیشه ی اسلامی از چه جایگاهی برخوردار است؟.....
- ۱۱۹-۴-۳ سؤال دوم: عوامل شکوفایی عقل در اندیشه ی اسلامی کدام است؟.....
- ۱۴۷-۴-۴ سؤال سوم: موانع شکوفایی عقل در اندیشه ی اسلامی کدام است؟.....
- ۱۷۳-۴-۵ سؤال چهارم: اهداف برنامه ی آموزش فلسفه به کودکان از دیدگاه تفکر در اندیشه ی اسلامی چگونه است؟.....
- ۲۰۳-۴-۶ محتوا برنامه ی آموزش فلسفه به کودکان از دیدگاه تفکر در اندیشه ی اسلامی چگونه است؟.....

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری.....

۲۰۵.....	۵-۱- خلاصه یافته ها
۲۱۱.....	۵-۲- بحث و نتیجه گیری
۲۱۴.....	۵-۳- محدودیت های تحقیق
۲۱۴.....	۵-۴- پیشنهادهای تحقیق
۲۱۴.....	۵-۴-۱- پیشنهادهای کاربردی
۲۱۵.....	۵-۴-۲- پیشنهادهای پژوهشی
۲۱۶.....	منابع
.....	پیوست

۱-۱- مقدمه

اسلام، دینی است که تعلیم و تعلم را از زمان کودکی واجب می شمارد. از پیامبر اکرم نقل شده است که: «العلم فی الصغر کالتنش فی الحجر» دانش در کودکی، مانند نقش است بر سنگ. کودک، هنگامی که به دنیا می آید دارای نیرویی به نام " تفکر " است که بالقوه در درون وی قرار داده شده است. از مهم ترین مشخصات این دوران، تلاش برای شناخت اطراف به کمک حواس است.

در این مرحله، کودک رغبت شدیدی به شناسایی اشیاء، پدیده ها و جهان پیرامون خود پیدا می کند و در این راه از تمام حواس خود استفاده می کند. بنابراین می توان گفت کودک در مرتبه تفکر حسی قرار دارد و با چشم و گوش و دست ها و به عبارت دیگر، با بدن خود فکر می کند، یعنی چیزها یی را که می بیند یا در حوزه ی تجربه ی او قرار می گیرند را می تواند درک کند. در تعریف از ذهن جستجو گر کودک، حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«من سأل فی صغره أجاب فی کبره»؛ هر کس در کودکی پرسش گر باشد، در بزرگسالی پاسخ دهی می کند (غررالحکم، ح ۸۲۷۳).

بنابراین یکی از نعماتی که خداوند به انسان ارزانی داشته و به واسطه ی آن، او را بر سایر موجودات برتری داده، نیروی تعقل و تفکر است. عقل برای انسان بهترین راهنماست. مشکلات اخلاقی و اجتماعی انسان ها غالباً معلول جهالت و ضعف نیروی عقلی آن هاست. اگر عقل نیرومند باشد زمام کشور نفس را در اختیار می گیرد و بر طبق مصالح واقعی، آن را اداره می کند و چنین فردی سعادت مند خواهد شد. بنابراین اولیاء و مربیان وظیفه دارند پرورش عقل را جزء برنامه های تربیتی خود قرار دهند و از این طریق مرتبی را در صراط مستقیم انسانیت هدایت کنند و از انحرافات جلوگیری نمایند (امینی، ۱۳۷۶).

یکی از برنامه هایی که با هدف تقویت خردورزی و اندیشه ورزی در کودکان تنظیم شده است و در نظام های تربیتی سراسر دنیا و از جمله در کشور ما جایی برای خود باز کرده است، برنامه ی " فلسفه برای کودکان " می باشد که از آن تحت عنوان آموزش فلسفه به کودکان و آموزش تفکر به کودکان نیز یاد می شود، که به طور مختصر تاریخچه آن را ذکر می کنیم.

در سال های دهه ی ۱۹۶۰، اعتراض های دانشجویی در آمریکا گسترش زیادی پیدا کرده بود. در سال های پایانی این دهه، دانشگاه کلمبیا واقع در نیویورک که در آن موقع محل کار پروفیسور ماتیو لیپمن^۲ بود نیز، با

^۱ . Philosophy For Children (P4C)

^۲ . Matthew Lipman

این مشکل مواجه شده بود. لیپمن که استاد فلسفه در این دانشگاه بود، تلاش کرد که با میانجی‌گری میان مدیران دانشگاه و دانشجویان معترض، آرامش را به دانشگاه برگرداند (صفایی مقدم، ۱۳۸۸، ص ۷۵).

او سعی کرد با ترتیب دادن نشست‌ها و انجام گفت‌وگوهای منطقی بین طرفین، طرف‌های درگیر را به یک درک مشترک برساند؛ اما در این کار ناکام ماند و همین ناکامی باعث پیدایش جرقه‌ی ایده‌ی آموزش فلسفه به کودکان در ذهن او شد. لیپمن موضوع را چنین شرح می‌دهد:

«انعطاف‌ناپذیری بیش از حدی در بین هر دو قشر دانشجویان و مسئولان دانشگاه مشاهده می‌شد. کم‌کم تردیدهای زیادی درباره‌ی ارزش تدریس فلسفه در من به وجود می‌آمد. به نظر نمی‌رسید که فلسفه کوچک‌ترین تأثیری بر رفتار مردم داشته باشد. به تدریج این اندیشه در من شکل گرفت که مسأله‌ای که من در دانشگاه مشاهده می‌کردم؛ نمی‌توانست در همان جا حل شود. به این نتیجه رسیدم که باید مدت‌ها قبل از دوره‌ی تحصیلات دانشگاهی به تدریس آن پرداخت؛ به طوری که وقتی دانش‌آموز از دبیرستان فارغ‌التحصیل می‌شود، تفکر مستقل و ماهرانه برای او، به یک عادت تبدیل شده باشد» (همان، ص ۷۵-۷۶).

برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان با تکیه بر فرضیه‌های اساسی تعلیم و تربیت‌رهای بخش تلاش دارد، از راه ارائه‌ی مفاهیم اساسی فلسفی در قالب سناریو‌ها و داستان‌های دارای مضامین فلسفی، به تفکر انتقادی^۱، خلاق^۲ و متعهد^۳ یا مراقبتی پردازد.

لیپمن معتقد است که تعلیم و تربیت رایج و مبتنی بر خواندن، نوشتن و حساب کردن (3R) در سال‌های گذشته با شکست مواجه شده و خود مقصر این شکست بوده است. زیرا اهداف این نوع تربیت محدود بوده و به روش‌های پژوهش بی‌اعتنایی کرده است. در تعلیم و تربیت سنتی، موضوعات درسی و محتوای درس‌ها به صورت مجزا و در نهایت به صورت بسته‌های حل مسأله در اختیار شاگردان قرار گرفته و فرصت پژوهش کردن از آنان سلب کرده است. در نتیجه به جای این که فراگیران مثل دانشمندان بیندیشند و با استفاده از روش‌های آنان به نتایج جدیدی برسند به طور عمده از محصول کار آنان به صورت خام استفاده می‌کنند و به نتایجی می‌رسند که آنان رسیده بودند (جهانی، ۱۳۸۶، ص ۴۴).

بنابراین، لیپمن تفکر سطح بالا^۴ را به عنوان R چهارم مطرح می‌کند. استدلال^۱ و پرورش قوه‌ی تفکر، محور تعلیم و تربیت است و غفلت از آن، پرورش قدرت‌های دیگر ذهن مثل خواندن، نوشتن و حساب

¹ . Critical thinking

² . Creative thinking

³ . Caring thinking

^۴ . منظور از تفکر سطح بالا، استدلال می‌باشد.

کردن را تا حد زیادی با مشکل مواجه می سازد. به اعتقاد لیپمن، R چهارم فقط از راه آموزش فلسفه صورت می گیرد. فلسفه در برداشت لیپمن به فرایند اکتشاف و تریبون مبادله ی افکار و اندیشه ها برای رشد قوای نهفته بر می گردد که به بستر مناسب برای توسعه نیاز دارند.

پس با مطرح شدن برنامه ی آموزش فلسفه به کودکان در سیستم آموزشی کشور و با نظر به این که نظام تربیتی ما مبتنی بر آموزه های دینی می باشد، پژوهشگر قصد دارد اهداف و محتوای برنامه ی مذکور را از دیدگاه تفکر در اندیشه اسلامی، مورد ارزیابی قرار دهد.

۱- بیان مسأله

با همه ی تأکیدی که دین مبین اسلام بر موضوع تفکر دارد، اما متأسفانه در نظام تربیتی ما برنامه ای جامع به منظور پرورش قوای عقلانی کودک و مبتنی بر آموزه های دینی وجود ندارد و جای پژوهش های علمی، عمیق و همه جانبه نیز در ارتباط با استخراج و تدوین دیدگاه اسلام در خصوص خردورزی، اندیشه ورزی و در کل تربیت عقلانی در کشور ما خالی است تا براساس آن، مسئولان امر بتوانند به برنامه ریزی و تدوین کتابهای درسی پردازند.

و از آنجایی که عقل آدمی، با همه قوت و قدرتی که دارد، از اشتباه و خطا مبرا نیست بنابراین تمام نظریه ها و کوشش هایی که توسط انسان صورت گرفته است، ممکن است با گذشت زمان و روشن شدن افق ها و چشم اندازهای جدید، متزلزل و مخدوش شوند. همان طوری که در بخش مقدمه توضیح داده شد، یکی از این برنامه ها "آموزش فلسفه به کودکان" می باشد که نزدیک به یک دهه است در کشور ما رواج پیدا کرده است. کارگاه های آموزشی مختلفی به منظور تربیت مربیان برای تدریس این برنامه در سطوح مختلف آموزشی ترتیب داده شده است، و مقالات و پایان نامه هایی حول این موضوع شکل گرفته است.

حال باید به این نکته توجه داشت، الگویی که لیپمن ارائه می دهد نشأت گرفته از جهان بینی خاص او و منطبق بر شرایط حاکم بر جامعه ای است که در آن زندگی می کند و از آن جایی که به گفته ی شهید مطهری، جهان بینی به منزله ی زیربنای فکر است (۱۳۹۰، ص ۱۵) پس مطمئناً اگر این الگو بخواهد در کشوری همچون ایران که فرهنگ غنی اسلامی در بند بند اجزاء و تشکیلات آن ریشه دوانده است، اجرا گردد، باید قبل از آن توسط متخصصان امر، تغییراتی بر روی آن اعمال شود و گرنه ذهن کنجکاو و جست و جو گر کودکان، به همان سمت و سویی می رود که مد نظر بنیان گزاران این جنبش می باشد و در نهایت نتایج ناخوشایندی را به دنبال خواهد داشت.

بنابراین، سعی ما بر آن است که پژوهش حاضر تلنگری باشد در ذهن کسانی که بدون آسیب شناسی های لازم، قصد به کارگیری و اجرای این برنامه دارند. تا شاید پیش از آن با خود بیندیشند که آیا اهداف برنامه ی مذکور، با ویژگی های تفکر و تعقل در اندیشه ی اسلامی مطابقت دارد؟ آیا محتوای این برنامه با ویژگی های مذکور مناسبتی دارد؟

امید که صاحب نظران و پژوهشگران ما به تدوین برنامه ای این چنینی اما مبتنی بر آموزه های دینی، و منطبق بر فرهنگ اسلامی - ایرانی تشویق شوند.

۳-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق:

دین مبین اسلام، معتقد است تمام کودکان دارای استعداد های متنوعی هستند که باید رشد و پرورش یابند و تفکر و نیروی عقلانی که یکی از آن هاست، پرورش آن زمان خاصی ندارد و یک جریان مستمر است بطوری که پرورش آن را می توان حتی از دوران قبل از تولد آغاز کرد.

بررسی نظام آموزش و پرورش اسلامی، نشان می دهد که روش آموزش اسلامی «روش خود آموزی و چگونه آموزی» است نه «مطلب آموزی». بررسی آیات قرآنی و احادیث بسیار فراوانی که تفکر، تدبیر، تذکر و تعقل را تشویق می کنند از یک طرف و بررسی روایاتی که «تفکر یک ساعت را برتر از عبادت هفتاد سال» معرفی می نماید، «روش خود و چگونه آموزی» متناسب با «اصل پرورش فکری» کودک را به عنوان روش آموزش، پیشنهاد می نماید (عزتی، بی تا).

بررسی حدیث مشهور «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد، زگهواره تا گور دانش بجوی» اصل استمرار آموزش در اسلام، اصل پرورشی بودن فکر و استعداد و اصل مامائی امکانات طبیعی و فطری کودک را در اسلام به وضوح روشن می کند. پیشنهاد اصل «ادامه و استمرار آموزش» به وسیله اسلام و این حقیقت که اسلام آموزش و پرورش را یک جریان مداوم و مستمر در طول زندگی می داند، نشان می دهد که اسلام اصل «پرورش فکری کودک» را پذیرفته است و در حقیقت، آموزش اسلامی همان پرورش فکری است (همان).

عقل، پایه و اساس انسانیت، حجت باطنی خداوند، وسیله فهم و دریافت معارف بنیادین اعتقادی و یکی از منابع استنباط احکام فقهی اسلام است. شکوفا سازی و تربیت این موهبت ارجمند الهی، رسالت تمامی ادیان آسمانی و به ویژه دین اسلام بوده است.

در قرآن کریم آیات فراوانی داریم که افرادی را که عقل خویش را به کار نمی گیرند مورد توبیخ قرار می دهد و می فرماید:

صم بکم عمی فهم لا یعقلون (بقره/۱۷۱)

آن ها کر و لال و کورند پس تعقل نمی کنند.

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (انفال/۲۲)

به درستی که بدترین جنبندگان نزد خدا، (انسان های) کر و لال هستند که تعقل نمی کنند.

احادیثی هم وجود دارد که مردم را به تفکر دعوت می نماید، حتی تفکر را به عنوان یک عبادت، بلکه بهترین عبادت ها معرفی نموده و آن را به عنوان بهترین فضائل به شمار می آورد. از جمله:

حضرت رسول اکرم فرمودند: «بهترین عبادات، صرف نمودن فکر است در خدا و قدرت او» (نراقی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۳) و نیز «حضرت علی علیه السلام فرمودند: «نهایت همه ی فضائل، عقل و خرد است»^۱ (آمدی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۵۲).

یکی از ابزارهایی که خداوند به منظور دعوت انسان ها به تفکر از آن استفاده می کند، قصه است. قرآن کتاب قصه نیست، ولی سرشار از قصه هایی است که در اغلب آن ها، خداوند می خواهد چیزی به انسان بگوید و با سؤال هایی که در آغاز، انتها و بین قصه ها می آورد، می خواهد انسان را به تفکر برانگیزد تا از اختیار و تعقل خود برای جست و جو و تأمل در سؤال های قرآنی و انتخاب راه خود استفاده کند. در قرآن سؤالاتی وجود دارند که در آن ها، خداوند انسان ها را خطاب قرار می دهد و این نشان می دهد که خداوند انسان را لایق شناخت می داند و از این روش برای به تفکر واداشتن انسان استفاده کرده است تا انسان با قوه ی تعقل و اختیار به جست و جوی پاسخ آن ها برآید. از قصص قرآن می توان به مثابه ابزار نیرومندی برای افزایش خصیصه ی فطری و خدادادی پرورش گری استفاده کرد.

برنامه ی فلسفه برای کودکان ، از ابزار داستان و سبک حکایی برای رشد فکری کودکان استفاده کرده است با توجه با این که کتاب آسمانی ما ۱۴۰۰ سال پیش در راستای تعلیمات خود و به منظور برانگیختن و هدایت قدرت تفکر نیز از این ابزار بسیار سود جسته اند (حسینی، ۱۳۸۴). هدف اساسی برنامه ی فلسفه برای کودکان و نوجوانان، آموزش تفکر، تعقل، تأمل و تدبیر از دوران کودکی است؛ چیزی که در فرهنگ اسلامی ما، بیش تر از فرهنگ های دیگر به آن تأکید شده است، اما متأسفانه ما هم همانند غرب در این زمینه عقب افتاده ایم و نوع تعلیم و تربیت رایج، فقط امکان تقویت حافظه را به کودکان و نوجوانان ما داده است (ناجی، ۱۳۸۸، ص ۱).

نظام آموزشی ما حتی در دانشگاه نیز، به تحصیل کنندگان معرفت و دانش، توصیه می کند متونی را به حافظه بسپارند و سپس با ارائه ی آن ها در اوراق امتحانی، امتیاز لازم برای کسب مدرک تحصیلی مورد نیاز را به دست آورند و این کار سال ها است که تنها به تقویت حافظه ی کوتاه مدت دانش آموزان و دانشجویان، انجامیده است (همان، ص ۲). در صورتی که رسالت اصلی دستگاه تعلیم و تربیت، پرورش انسان هایی است که قدرت قضاوت و داوری صحیح را دارا بوده، از عقاید دیگران استقبال کرده و نظرات مخالف را با سعه ی صدر پذیرفته و نسبت به تأمل و تحقیق، تمایل و علاقه داشته باشند. بنابراین، با تمام اهمیتی که دین مبین اسلام برای تفکر و تعقل قائل است اما متأسفانه جایگاه خود را در نظام آموزشی و تربیتی کشور نیافته است.

^۱ . «غَايَةُ الْفَضَائِلِ الْعَقْلُ».

بنابراین، اگر بخواهیم جامعه ای بالنده که یکی از عناصر اصلی آن داشتن افرادی نقاد و خلاق می باشد، داشته باشیم، آن چنان که دین اسلام توصیه می کند، باید به تقویت و پرورش این نیروی خدادادی در کودکان پردازیم و با شیوه های متعدد و مؤثر، حس کنجکاوی آن ها را برانگیخته، آن ها را تشویق و ترغیب به تفکر نماییم تا اندیشیدن در همه ی امور برای آن ها به عادت پیوسته تبدیل شود.

با همه ی این اوصاف ضرورت انجام این پژوهش از آن جا ناشی می شود که تعقل و تفکر سهمی تعیین کننده در مسیر زندگی تک تک افراد دارا می باشد، پس به این دلیل برنامه ی " آموزش فلسفه به کودکان" به وسیله ی دیدگاه قرآن و معصومین در باب تفکر ارزیابی می شود که دین اسلام به عنوان کامل ترین دین و نشأت گرفته از مبدأ هستی، جامع ترین و کامل ترین برنامه ها و دستورات را برای تربیت انسان با خود به همراه دارد مبنای ارزیابی ما محکم و بی چون و چرا بوده و ظرفیت و استعداد ارائه ی مدلی جدید درباره ی تفکر را در خود دارا می باشد.

و از سوی دیگر، با گسترش روزافزون استفاده ی کودکان و نوجوانان از رسانه های گروهی همچون ماهواره و اینترنت، که به عنوان ابزاری در دست انسان های گمراه و نه چندان دلسوز به حال کودکان ما، قرار گرفته است و به وسیله ی تبلیغات گسترده و به ظاهر زیبا نظرات خود را به کودکان القاء کرده و در واقع به طور مستقیم و غیر مستقیم این جمله را بیان می کنند که «ما به جای شما فکر می کنیم و تصمیم می گیریم و دیگر نیازی به فکر کردن شما نیست»!

بنابراین، بیش از پیش به پژوهش هایی نیاز است که در ابتدا این گونه برنامه های وارداتی را آسیب شناسی و ارزیابی کرده و تا پس از انجام اصلاحات لازم، قابلیت اجرا در سطوح مختلف آموزشی را داشته باشند. البته بسیاری از طرح ها و برنامه های وارداتی که در کشور در حال اجراست در متن فرهنگ و جامعه ی خودمان به همان شکل و شاید بتوان گفت بهتر و مستحکم تر وجود دارد اما به درستی پرداخت نشده است. از آن جایی که تاکنون تحقیقاتی پیرامون برنامه ی " آموزش فلسفه به کودکان" در کشور انجام شده است و با توجه به استفاده روزافزون از این شیوه در مراکز آموزشی، پژوهشی که به طور خاص به ارزیابی اهداف و محتوای این برنامه از دیدگاه اندیشه اسلامی پردازد در کشور صورت نگرفته است بنابراین محقق با انجام این پژوهش سعی دارد گوشه ای از این کمبودها را جبران کرده و بدان امید که این پژوهش، آغازی برای حرکت های بعدی باشد.

۴-۱- اهداف تحقیق

۴-۱-۱- هدف کلی

ارزیابی اهداف و محتوای "آموزش فلسفه به کودکان" از دیدگاه تفکر در اندیشه اسلامی

۴-۱-۲- اهداف ویژه

۱. تعیین جایگاه عقل در اندیشه اسلامی
۳. تعیین عوامل شکوفایی عقل از دیدگاه اندیشه اسلامی
۴. تعیین موانع شکوفایی عقل از دیدگاه اندیشه اسلامی
۵. ارزیابی اهداف برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان از دیدگاه تفکر در اندیشه‌ی اسلامی
۶. ارزیابی محتوای برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان از دیدگاه تفکر در اندیشه‌ی اسلامی

۵-۱- سؤال‌های تحقیق:

۵-۱-۱- سؤال اصلی:

ارزیابی اهداف و محتوای "آموزش فلسفه به کودکان" از دیدگاه تفکر در اندیشه اسلامی چگونه است؟

۵-۱-۲- سؤال‌های فرعی:

۱. عقل در اندیشه اسلامی از چه جایگاهی برخوردار است؟
۲. عوامل شکوفایی عقل در اندیشه اسلامی کدام است؟
۳. موانع شکوفایی عقل در اندیشه اسلامی کدام است؟
۴. اهداف برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان از دیدگاه تفکر در اندیشه اسلامی چگونه است؟
۵. محتوای برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان از دیدگاه تفکر در اندیشه اسلامی چگونه است؟

۱-۶- تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی

ارزیابی

لغوی

در عربی به آن انتقاد^۱ گفته می شود، به معنی تصفیه کردن چیزی از ناخالصی ها، بخشیدن چیزی به کسی، آماده ی تحویل دادن، آماده ی تحویل گرفتن و نیز نوک زدن پرندگان به چیزی است. و نیز به معنی خالی کردن درون چیزی و چشم دوختن به چیزی به منظور بودن آن و نشان دادن خوبی ها و بدی های آن است (صلیبا، ترجمه ی صناعی دره بیدی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۷).

اصطلاحی

در نظر محدثین، انتقاد یا ارزیابی به معنی عیب جویی است و شیء مورد انتقاد، حدیثی است که دارای عیب و علتی باشد. در این جا انتقاد به معنی عام آن، عبارت است از تعیین ارزش چیزی (صلیبا، ترجمه ی صناعی دره بیدی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۷).

هدف

لغوی

(د) [ع . ا] (ا) نشانه ، غرض ، نشانه تیر . ج . اهداف (معین، ۱۳۸۴).

اصطلاحی

هدف در تعلیم و تربیت، به معنای وضع نهایی و مطلوبی است که به طور آگاهانه، سودمند تشخیص داده شده است و برای تحقق آن، فعالیت های مناسب تربیتی انجام می گیرد (شکوهی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۵).

محتوا

حاوی، شامل، فراگیرنده (معین، ۱۳۸۴).

لغوی

اصطلاحی

مجموعه حقایق، مفاهیم، اصول، تعمیم ها، فعالیت ها، فرایند ها، ارزش ها و نگرش ها که در ارتباط با یکدیگر و در جهت هدف های یادگیری برای یادگیرنده پیش بینی می شود (ملکی، ۱۳۸۴، ص ۶۸).

¹ criticism

آموزش^۱

لغوی

(امص. آموزیدن و آموختن) ۱ - عمل آموختن، یاد دادن. ۲ - تعلیم؛ مق. تربیت، پرورش (معین، ۱۳۸۴، صص ۶۶-۶۵).

اصطلاحی

به معنی درس دادن و در مقابل یادگرفتن است. مثلاً می گویند: من به او علم آموزش دادم و او از من آموخت، من به او تعلیم کردم و او از من تعلّم کرد. تعلیم و تربیت مشروط به تحقق شرایطی است که تحصیل علم را در داخل و خارج از مدرسه ممکن می سازد.

مفهوم تعلیم، متضمن مفهوم نیاز به معلم است؛ اما مفهوم تعلم متضمن چنین مفهومی نیست، زیرا متعلم می تواند خود، کسب علم کند و شاید علمی که بدون معلم کسب شود، تأثیر آن در ذهن، قوی تر از علمی باشد که به کمک معلم کسب شده است. هر تعلیم و تعلمی مسبوق به شناخت قدیم تری است و توسط معلمان و کتاب ها و مقالات و وسایل دیگر، از نسلی به نسلی منتقل می شود (مصاحب، ۱۳۸۰، ص ۲۴۰).

فلسفه

لغوی

فلسفه^۲: [از کلمه ی یونانی فیلسوفیا = عشق به حکمت] ، علم به حقایق اشیاء و روابط آن ها با یکدیگر، و فهم ارزش ها و مفاهیم، و شناختن نفس انسان، و کسب بصیرت در تعیین مقاصد او. عالم فلسفه را فیلسوف^۳ نامند (مصاحب، ۱۳۸۰، ص ۱۹۲۴).

اصطلاحی

فلسفه در مفهومی بسیار کلی، شامل تلاش انسان در جهت اندیشه ی نظری، تأملی و نظام دار درباره ی جهان و رابطه ی انسان با آن است (گوتک، ترجمه ی پاک سرشت، ۱۳۸۰، ص ۶).

شعاری نژاد نیز در تعریف مفهوم فلسفه می نویسد: «فلسفه عبارت است از بررسی شناخت تحلیلی و انتقادی و عمقی مسائل اساسی زندگی انسان» (۱۳۸۶، ص ۱۷۸).

¹ . Teaching

² . philosophy

³ . philosopher

آموزش فلسفه به کودکان

نوعی فلسفه کاربردی است، البته نه به آن معنی که برنامه ای باشد تا در آن از نظرات فلاسفه ی مختلف برای روشن سازی و حل مسائل غیر فلسفی استفاده شود، بلکه هدف آن است که شاگردان را وادار به فلسفیدن و انجام فعالیت فلسفی شخصی کند. در آن جا که از اسامی و تاریخ های مختلف و واژه های تخصصی خبری نیست، کودکان آزادند به فلسفه و فعالیت فلسفی ای که به عقاید و تمایلات خودشان مربوط است فکر کنند (فیشر، ترجمه ی کیان زاده، ۱۳۸۵، ص ۶۲).

کودک

لغوی

۱ - (ص.) کوچک، صغیر. ۲ - (ا.) فرزندی که به حدّ بلوغ نرسیده (پسر یا دختر)؛ طفل (معین، ۱۳۸۴، ص ۷۶۲).

اصطلاحی

در اصطلاح قرآن، فرد از هنگام تولد تا بلوغ طفل نامیده می شود و لذا این دوران را به نام طفولیت یا کودکی می نامیم. که شامل هفت سال اول و دوم زندگی می شود (باقری، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵).

تفکر

لغوی

در فرهنگ فارسی معین، تفکر، اندیشه کردن و به معنای رسیدن به درک و فهم، معنا شده است (معین، ۱۳۸۴، ص ۱۴۰۸).

اصطلاحی

عبارت است از نظر کردن در معقولات و بازگشت فکر به خویشتن، برای نظر کردن در اعمال ذاتی خود، و یا برای کشف اصولی که مقوم و مفسر این اعمال است. این واژه مترادف تأمل، دقت، رؤیت و فکر است. مثل این سخن لایب نیتس^۱ که گفته است: «تفکر ما چیزی جز دقت در آن چه در درون ما جریان دارد، نیست» (صلیبا، ترجمه ی صانعی دره بیدی، ۱۳۸۱، ص ۶۳۴).

اندیشه اسلامی

منظور از اندیشه اسلامی، آیات قرآن و روایات معصومین می باشد.

¹ . Wilhelm Leibniz

